

نگاه تحلیلی

نوبل اقتصاد
و کالای سیاست



رضا مهدیان
پژوهشگر حوزه حقوق

چند روز پیش، کمیته نوبل آکادمی سلطنتی علوم سوئد جایزه علوم اقتصادی خود را به دارون عجم اوغلو، سلیمان جاسون و جیمز آلن رابینسون به دلیل کار بر روی «چگونگی شکل گیری نهادها و تأثیرشان بر رفاه» اعطا کرد. اما این نهادهای اجتماعی واقعا چه اهمیتی دارند که کمیته نوبل این اقتصاددانان را شایسته دریافت بزرگترین جایزه اقتصادی جهان دانسته است؟ آکادمی نوبل در بیانیه اهدای جایزه خود گفته، معمولاً در جوامعی شاهد رشد یا تغییر مثبت نیستیم که در آن حاکمیت قانون ضعیف است و نهادها از مردم سوءاستفاده می کنند. به عنوان مثال «زمانی که اروپایی ها کشورهای زیادی را مستعمره خود کردند، نهادها در آن کشورها عوض شدند. اما تغییری که آنها ایجاد کردند، گاهی بسیار بنیادی بود ولی گاهی به تغییرات جزئی اکتفا کردند. در بعضی نقاط هدف بهره برداری از جمعیت بومی و استخراج منابع به نفع استعمارگران بود. در برخی دیگر، استعمارگران نظام های سیاسی و اقتصادی فراگیر ایجاد کردند تا در درازمدت به نفع مهاجران اروپایی باشد.» در واقع محققان اقتصادی برنده جایزه نوبل، دو مفهوم را در مورد نهادها نادیده کردند. یکی، «نهاد فراگیر» و دیگری، «بهره کش». بر اساس تعریفی که در کتاب «چرا ملت ها شکست می خورند؟» ارائه شده، نهادها بهره کش، نهادهایی هستند که به نفع یک گروه کوچک از افراد ناخیرگان قدرت مند (فردانستان) عمل می کنند و منافع عمومی را نادیده می گیرند. این نهادها مانع از رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی می شوند و باعث افزایش فقر و نابرابری می شوند. نهادهای فراگیر، نهادهایی هستند که به نفع تمام اعضای جامعه عمل می کنند و حقوق و آزادی های شهروندی را تضمین می کنند. این نهادها شرایط لازم برای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی را فراهم می کنند و باعث کاهش فقر و نابرابری می شوند. اما چرا بسیاری از دولت ها در ایجاد نهادهای فراگیر موفق عمل نکردند؟ در سیاست، کالاهای مختلفی وجود دارد، اما هیچ کدام به اندازه «امنیت» اهمیت ندارد. امنیت پایه ای است که براساس آن دیگر کالاها و خدمات سیاسی می توانند عرضه شوند. بدون حداقلی از امنیت، عرضه سایر کالاها سیاسی به شکلی امکان پذیر نیست. تلاش برای جایگزینی امنیت عمومی با امنیت خصوصی نیز معمولاً بسیار دشوار است. مهمترین نقش دولت ها از دیرباز «تأمین امنیت» بوده است، چه در برابر تهدیدهای خارجی مانند حملات نظامی و چه در برابر تهدیدهای داخلی مانند جرائم. اما در تاریخ مدرن وظایف دیگری هم به دولت ها محول شد مثل حفظ حقوق شهروندی و تنظیم گری سیاست های جامعه. این بدان معناست که امنیت به عنوان یک کالای سیاسی شامل قوانین و رویه هایی است که به حاکمیت قانون، حفظ مالکیت خصوصی و عدالت قضایی کمک می کنند. یکی دیگر از کالاهای مهم سیاسی در دولت های مدرن، مشارکت سیاسی است. شهروندان باید بتوانند آزادانه در فرآیندهای سیاسی مشارکت کنند و حق بیان نظرات و رقابت برای مناصب دولتی را داشته باشند. مشارکت سیاسی شامل احترام به نهادهای قانونی، مانند مجالس قانون گذاری و دادگاه ها، و پذیرش تنوع سلاقی و دیدگاه ها است. دولت های مدرن همچنین باید خدمات دیگری نظیر آموزش، بهداشت، زیرساخت های فیزیکی و سیستم های مالی پایدار را فراهم کنند. کیفیت و کمیت این خدمات، معیارهایی برای سنجش موفقیت یک دولت به حساب می آیند. دولت های قوی این خدمات را به شکل مؤثری ارائه می دهند و توانایی کنترل کامل قلمرو خود را دارند. چنین دولت هایی بر پایه شاخص های مختلف مانند تولید ناخالص داخلی، شفافیت و توسعه انسانی مورد ارزیابی قرار می گیرند. این دولت ها تنها آزادی های سیاسی و مدنی را تضمین می کنند، بلکه محیطی را برای رشد اقتصادی فراهم می کنند. در مقابل، دولت های ضعیف نمی توانند به طور کامل انتظارات شهروندان را برآورده کنند. هر چه ضعف در عملکرد دولت ها بیشتر شود، آنها به سوی شکست حرکت می کنند. دولت های ناکارآمد، دولت هایی هستند که دیگر نمی توانند دو وظیفه اساسی را انجام دهند: اعمال قدرت در قلمرو خود و حفاظت از مرزهای ملی. اغلب این دولت ها با خشونت داخلی و ضعف در مدیریت منابع مواجه می شوند. دولت های ناکارآمد نتوانایی ارائه کالاهای سیاسی را ندارند، بلکه به تدریج به سمت فساد، ایجاد و توزیع رانت و سرکوب شهروندان حرکت می کنند. آنها تنها به گروهی کوچک از نخبگان و طرفداران خود امتیاز می دهند و صدای مخالف را سرکوب می کنند. در نتیجه، شهروندان اعتماد خود را به دولت از دست می دهند و جامعه به سمت فروپاشی پیش می رود. در نتیجه دولت با بزرگتر کردن خود، در واقع به نوعی هوادانش را بیشتر می کند. اما هر چه این دولت بزرگتر شود، فاصله اش از بقیه جامعه که سهمی از رانت توزیع نمی نذرند، بیشتر می شود. فروپاشی دولت ها اغلب با کاهش خدمات عمومی، تخریب زیرساخت ها و فساد گسترده همراه است. در این شرایط، مدارس و بیمارستان ها از کار می افتند، حقوق کارکنان دولتی پرداخت نمی شود و سیستم قضایی به ابزاری برای سرکوب مخالفان تبدیل می شود. همچنین، دولت های ناکارآمد فرصت های اقتصادی بسیار محدودی را ایجاد می کنند که تنها در دسترس عده کمی از نخبگان است. فساد سیستماتیک به اوج خود می رسد و نخبگان حاکم ثروت خود را به خارج از کشور منتقل می کنند. در حالی که مردم عادی با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می کنند. در این شرایط، مشروعیت دولت به شدت کاهش می یابد و احتمالاً فرصتی برای اصلاح هم نمانده و در نهایت ممکن است به فروپاشی کامل جامعه منجر شود.

ضدبالیستیک و پرسنل نظامی ایالات متحده را که قادر به کار با آن هستند، به اسرائیل صادر کرد تا در برابر هرگونه حمله موشکی بالیستیک دیگر از این کشور دفاع کنند. دستور تقویت موقعیت نظامی در خاورمیانه را بر اساس مسئولیت های هم به عنوان فرمانده کل و مطابق با اختیار اتم صادر کرده ام.» کنار هم گذاشتن این اخبار، از آمادگی طرف های مختلف منازعه خاورمیانه برای افزایش سطح بحران خبر می دهد. ابتدا خبر ارسال سامانه پدافندی THAAD به اسرائیل از سوی پنتاگون تأیید شد. یکی از روزنامه نگاران شناخته شده اسرائیلی زمانی که خبر تأیید شده ارسال این سامانه منتشر شده بود، در تویتر ادعا کرد که اسرائیل پاسخ خود به حمله موشکی ایران را به بعد از دریافت تاد موکول کرده است. این سامانه همراه با ۱۰۰ نظامی آمریکایی وارد اسرائیل شد. تحلیلگران نظامی پس از تأیید خبر به کارگیری سامانه تاد در اسرائیل، بیش از پیش به این نتیجه رسیدند که تل آویو قصد پاسخ به ایران را دارد. چرا که ایران به طور رسمی اعلام کرده بود در صورت واکنش رژیم اسرائیل به عملیات وعده صادق ۲، پاسخی درنکاتر به تل آویو خواهد داد. اسرائیل در حال حاضر زیر آتش حزب الله است و پاسخ از طریق جبهه مقاومت به اندازه که شدید باشد هم نمی تواند به عنوان انتقام متقابل ایران ارزیابی شود. بنابراین، با نگاه به اینکه ایران در جریان عملیات های خود از موشک های بالیستیک - از جمله موشک های پرسونیک فوج - استفاده می کند، استفاده از سامانه تاد تحلیلگران را به این نتیجه رساند که طرف اسرائیلی قصد واکنش دارد و می خواهد ضعف های پدافند خود که در جریان حمله موشکی ۱ اکتبر (۱۰ مهر) به سایتهای نظامی اش آشکار شده بود، را ترمیم کند.

▼ هشدار برای وضعیت غزه

دولت آمریکا از ارسال نامه هشدار رسمی از سوی وزرای خارجه و دفاع این کشور به هم تان اسرائیلی شان خبر داد. آن طور که خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داده، در این نامه که آنتونی بلینکن و لوید آستین فرستاده اند، به مقامات اسرائیلی هشدار داده اند که ظرف ۳۰ روز آینده اقداماتی برای بهبود وضعیت انسانی و خیم غزه انجام می دهند یا ممکن است دسترسی به تسلیحات آمریکایی را از دست بدهند. آمریکا بزرگترین حامی سیاسی، مالی و تسلیحاتی اسرائیل طی جنگ در یک سال گذشته بوده است.

از جمله اقداماتی که این دو مقام آمریکایی از هم تان اسرائیلی خواستند، فراهم کردن شرایط ورود روزانه حداقل ۳۵۰ کامیون حامل کمک های بشردوستانه به غزه، بازگشایی گذرگاه پنجمی برای تحویل کمک های انسانی، ارتقای امنیت اماکن ثابت امدادی، بشردوستانه و تشکل ها، همچنین لغو کردن دستورهای تخلیه در صورت وجود نداشتن ضرورت های عملیاتی است.

برخی از بانک ها به جهت اینکه بتوانند سپرده بیشتری را جذب کنند بیشتر از نرخی که بانک مرکزی تعیین کرده بود به سپرده گذاران پرداخت می کردند که برای تعدادی از مدیران عامل آن بانک ها پرورنده تشکیل شد، به هیئت انتظامی معرفی شدند و محکومیت پیدا کردند. «رئیس سازمان بازرسی کل کشور از ورود این سازمان به موضوع بنگاه داری بانک ها خبر داد و گفت: «مواد ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید بنگاه داری مکلف کرده که ظرف سه سال باید بنگاه داری را کنار بگذارند و سالی ۳۰ درصد از بنگاه های خود را به فروش برسانند که متأسفانه این کار را نکردند. این موضوع مورد بازرسی ما قرار گرفت. در سال گذشته حدود صد هزار میلیارد تومان از بنگاه ها واگذار شد اما نسبت به بنگاه هایی که موجود است این مبلغ ناچیزی است و حتماً نیاز است که مسئولین دولت و مدیران بانک مرکزی در این راستا همکاری کنند تا به این وظیفه قانونی خود عمل کنند. متأسفانه بانک ها به جای بانکداری به بنگاهداری تمایل دارند.»

▼ برداشت اضافه بانک ها از بانک مرکزی

رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: «مسئله بعدی اضافه برداشت بانک ها است و ریاست محترم قوه قضائیه دستوری دادند که ما به نارتاز بانک ها ورود کنیم. این موضوع را بررسی کردیم و دیدیم که خیلی از بانک ها اعم از بانک های خصوصی و بانک های دولتی متأسفانه اضافه برداشت از بانک مرکزی دارند تذکر لازم به بانک ها داده شده است. تقاضای ما از بانک مرکزی این است که نسبت به مصوبه سرفا قرار برای رفع نارتاز بانک ها اقدام کنند. از این طریق اولاً اموال بانک ها مورد تجدید ارزیابی قرار بگیرد با توجه به افزایش قیمت ها از طرف دیگر این اموال به فروش برسد و اجازه افزایش سرمایه به بانک ها داده شود که این اضافه برداشت به مرور کاهش پیدا کند. طبیعتاً بانک مرکزی باید به میدان بیاید. در مسئله کفایت سرمایه بسیاری از بانک ها، سرمایه شان از آن میزان که استاندارد لازم هست پایین تر است و برخی بسیار منفی هستند که از ذکر اسم آن ها خودداری می کنم.» او افزود: «در موضوع تسهیلات تکلیفی مسکن هم ورود کردیم. بر اساس ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن بانک ها مکلف شدند که ۲۰ درصد از تسهیلاتی که پرداخت می کنند را به امر مصرف تخصیص دهند، در همین قانون مقرر شده بر بانکی به تکلیف خود عمل نکنند، جریمه شود یعنی حدود ۲۰ درصد از تعهدات انجام شده را به عنوان مالیات برمی دارند و وارد خزانه دولت می کنند. این مبلغ به صندوق ملی مسکن واریز می شود. این راه پیگیری کردیم و با برخی از بانک ها برخورد شده است. در حال حاضر انتظاری که ما از بانک ها داریم این است که به بانکداری حرفه ای روی بیاورند.»

▼ سفر مدیران به قطر به هزینه پیشگوسان

خدائیان درباره برخورد با واسطه ها و دلال ها در فوتبال گفت: «با ورود سازمان بازرسی مقررات مربوط به فعالیت کارگزاران به تصویب فدراسیون فوتبال رسید و این اقدام بسیار خوبی بود که این موضوع ساماندهی شود و باشگاه ها توسط دلال ها مورد سوءاستفاده قرار نگیرند. مسئله بعدی در رابطه با تعیین سقف بودجه برای باشگاه ها بود چرا که در برخی موارد قراردادهایی با مبالغ کلان منعقد می کردند و یا قراردادهایی منعقد می شد که بودجه آن پیش بینی نشده بود و در نهایت علیه باشگاه طرح دعوا و باشگاه محکوم می شد. با اقدامات انجام شده مقرر شد تا سقف بودجه باشگاه مشخص شود تا بر اساس این سقف، باشگاه بتواند قرارداد بنویسد و این امر نیز ساماندهی شد و جلوی بسیاری از قراردادهای غیرمعمول گرفته شد.» او درباره نحوه نادرست فروش بلیت های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر و پرداخت هزینه مدیران و اقوام آنها که به قطر سفر کرده بودند، اظهار کرد: «این هزینه از محل قهرمانان و پیشگوسان پرداخت شده بود که با پیگیری سازمان بازرسی پرونده کفایتی تشکیل و محکوم شدند.»

سمفونی خطوط

جواد علیزاده



عراقچی: هم برای جنگ آماده ایم هم برای صلح...



دکترین وزارت خارجه!

عکس نوشت

ای مادر غمخوار، شده حرفت ورد زبون ها

درباره مدیر مدرسه ای در شهر قدس که مادر دانش آموزی را مجبور به نظافت مدرسه می کند

رفیق دوم اما چند وقتی است که طاسش خوش ننشسته و پشت هم بد آورده و دستش تنگ است. هر طرف ماجرای زندگی اش را می گیرد باز هشتش گروی هشتادش است. برایم از سختی های روزگار می گفت و به عالم و آدم لعنت می فرستاد که شروع کردم به دلداری دادن و رسیدم سر اصل مطلب. می دانستم دخترش باید مدرسه رفتنش باشد. وقتی احوال دخترش را پرسیدم، بغضش ترکیب و بقی زیر گریه و گفت نتوانسته بچه را پیش دبستان ثبت نام کند. پرسیدم مگر مدرسه دولتی شهری به می گیرد. گفت مدیر مدرسه گفته ده میلیون و پانصد هزار تومان باید شهری به بدی. گفتیم پس این همه در اخبار می گویند اینکه کسی حق ندارد شهری به طلب کند چه؟ گفت ظاهراً پیش دبستان جزو تحصیلات اصلی به حساب نمی آید مشمول رایگان بودن نمی شود...

این دو نمونه ای که عرض کردم در شهر تهران وزیر نظارت حدکارتی آموزش و پرورش اتفاق افتاده است. ضمن اینکه در بین کسانی که از آنها سوال کردم، بودند بسیاری که با رضایت شخصی و به عنوان مختلف در مدرسه دولتی شهری به پرداخت کردند. در این بین اما مدیران و معلم هایی را هم دیدم که از جیب و اعتبار خودشان شرایط تحصیل محصلان شان را فراهم می کنند... ته حرقم این است که بالاخره یک نفر بیاید و یک کمیته ای تشکیل بدهد و به داد کسانی که دستشان تنگ است برسد. این بچه ها قرار است آینده این مملکت را بسازند.



امیر جدیدی
روزنامه نگار و عکاس

من معلم زاده ام. خاندان میان را زیر و رو کنی یکی معلم بوده یکی دبیر و آن دیگری ناظم و مدیر. وقتی خبر را خواندم هر چه کردم نتوانستم با حقیقتی که ذهنم بود مطابق کنم. سال های سال به چشم دیده بودم که خاله و دایی و عمه و عمومیم زندگی شان را وقف دانش آموزان شان کرده بودند. خبر اما کوتاه بود و جانکاه، «مدیر مدرسه ای در شهر قدس مادر دانش آموزی را مجبور به نظافت مدرسه می کند». داشتم خودم را آماده می کردم تا نه بدر آقا - خانم مدیر را جلوی چشمش بیآورم که خبر آمد استعفا داده یا برکنار شد کردند یا... خلاصه اینکه مرام ما نیست زمین خورده را لگد بزئیم. انشالله خدا از سر تقصیراتش بگذرد و به راه راست هدایتش کند؛ انشالله. اما این یکی دو روز، بعد از شنیدن ماجرای مدیر و مادر، ذهنم چنان مشغول شان شد که هر جا نشستم و هر که را دیدم پیگیری حال و احوال بچه محصل ها و شرایط ثبت نام مدارس شدم. نتیجه دو روز معاشرتیم این شد که ابعاد ماجرا پیچیده تر از این حرف ها است و تا دیر نشده باید فکری به حال نظام آموزشی کرد. برای اینکه عمق فاجعه را متوجه شوید تنها به ذکر دو نمونه بسنده می کنم. رفیق اول، بعد از احوال پرسی، نشستیم به گپ زدن. از روزگار رفته و از خاطرات گذشته گفتیم. از ایام مدرسه و... سعی کردم این قسمت ها را روی دور تند بگذرانم تا به مقصودم بلکه مقصدم برسم. وقتی جویای احوال فرزند دلیندم شدم. گوشی موبایلش را درآوردم و عکس های پسرش را نشانم داد. تعدادی عکس که به گفته رفیقم در مدرسه عکاسی شده بود. به عنوان کسی که سال ها از مدارس مختلف عکاسی کرده بودم کوچکترین المانی در تصاویر وجود نداشت که مدرسه برای نداعی شود. عکس ها را یکی یکی جلوی زدم و جگر گوشه رفیقم را در حالی می دیدم که دی جی شده و تفنگ آب پاش در دست دارد و با لباس اسپارتا کوس پشت میز که چه عرض کنم پشت مقر امپراطوری اش نشسته و فرمان حمله به سمت معلم صادر می کند. در میان حرف ها متوجه شدم شهریه مدرسه نیم میلیارد تومان است و بعد از وارد شدن به مدرسه مطلقاً کسی حق ندارد به زبان فارسی صحبت کند. بعد از جدا شدن از رفیقم تا مدت ها تصویر پسر جلوی چشمم می آمد و چنان غمی به دلم نشسته بود که نگو و نپرس. من نه کارشناس آموزش و پرورشم نه چیزی از روانشناسی کودک می دانم اما از روی عکس ها آینده روشنی را برای این بچه های معصوم نمی دیدم. الله و اعلم به کل حقایق الامور.